سلام کودکانه

یک هدیه خوب

می‌خواستم برای جشن نیکوکاری کمک کنم. من دو تا جامدادی داشتم. از یکی استفاده می کردم. یکی هم برای روز تولدم هدیه گرفته بودم. جامدادی جدیدم خیلی قشنگ بود و گذاشته بودم که سال بعد از آن استفاده کنم. داداش پویا گفت: «می تونی جامدادی قدیمی‌ات رو هدیه بدی. بعد از جامدادی تازه‌ات استفاده کنی».

فکر بدی نبود اما بعد که فکر کردم، تصمیم بهتری گرفتم. من هنوز هم می‌توانستم از جامدادی قبلی‌ام استفاده کنم.

پس جامدادی جدیدم را کادو کردم تا برای جشن نیکوکاری ببرم، این طوری حتما کسی که این هدیه را باز می‌کند، احساس خوشحالی بیشتری می‌کند.

ارسال نقاشی، قصه، خاطره، عکس و... ۰۹۳۵۱۳۹۴۵۷۶ ۲۰۰۰۹۹۹

معرفی فیلم

دامبو، فیل پرنده

نسخه جدید فیلم «دامبو» در سال ۲۰۱۹ تولید شده است. البته برای بسیاری از بزرگ ترها داستان این فیلم آشناست، چرا که حدود ۷۰ سال قبل نسخه کارتونی این فیلم تولید شده است و بسیاری از آن ها زمانی که هم‌سن الان شما بودند، کارتون آن را تماشا کرده‌اند.

اما داستان این فیلم چیست؟

«دامبو» داستان فیل کوچولویی است که گوش‌های خیلی بزرگی دارد و به کمک گوش‌هایش می‌تواند پرواز کند.

«دامبو» از مادرش جدا شده است، اما او دوست دارد کنار مادرش باشد برای همین...

پیشنهاد ما تماشای این فیلم جذاب با داستان خاطره‌انگیز آن، کنار بزرگ ترهاست.

شعر

لانه جدید قُمری

قمری توی حیاطه
اومده روی نرده
برای شاخه‌ی خشک
همه جا رو می‌گرده

ازصبح تا عصر با زحمت
چوب ها رو برمیداره
با این نوک کوچیکش
روی درخت میذاره

قمریِ ما تنهایی
می خواد بسازه لونه
یه لونه‌ای که گربه
جای اونو ندونه

شاعر: مریم زارعی

تصویر سازی ها: سعید مرادی

آثار شما

درخت پر از شکوفه

نقاشی و داستان ارسالی از دوست خوب «فرفره»
سارینا شعبانی ۱۰ ساله

اوایل بهار است و همه درختان شکوفه زدند ولی در ته کوچه ما درختی است که شکوفه ندارد. همه او را دوست دارند چون درخت تنومند و پیری است که از آن خاطره دارند.

من هم درخت پیر را دوست دارم و با او صحبت می‌کنم. او از من می‌پرسد درختان همه شکوفه زده‌اند و من هم هر روز به او می‌گویم تعدادی مانده‌اند تا او بداند هنوز بعضی‌ها هم مثل او شکوفه ندارند.

کم کم مردم گفتند درخت، خیابان ما را زشت کرده، باید او را قطع کنیم. هیچ کس نتوانست نه بگوید، حتی خود درخت. می‌گوید عمرش را کرده و دیگر هرگز شکوفه نمی‌دهد. فردا درخت را قطع می‌کنند.

امروز صبح زود بیدار شدم تا برای آخرین بار درخت را ببینم. باد سردی می‌وزید. وقتی به درخت رسیدم، شگفت زده شدم. درخت پر از شکوفه‌های رنگارنگ بود و تا به حال هیچ درختی شکوفه هایی به این زیبایی نداده بود. درخت بار دیگر زنده شده بود.

سرگرمی

بازی و ریاضی

دوستان گلم با توجه به جدول به جای هر عدد، حرف مساوی آن را بگذارید تا سه ضرب المثلی را که روی تخته نوشته شده است پیدا کنید. (مثلا به جای عدد ۲ حرف ب را بنویسید)

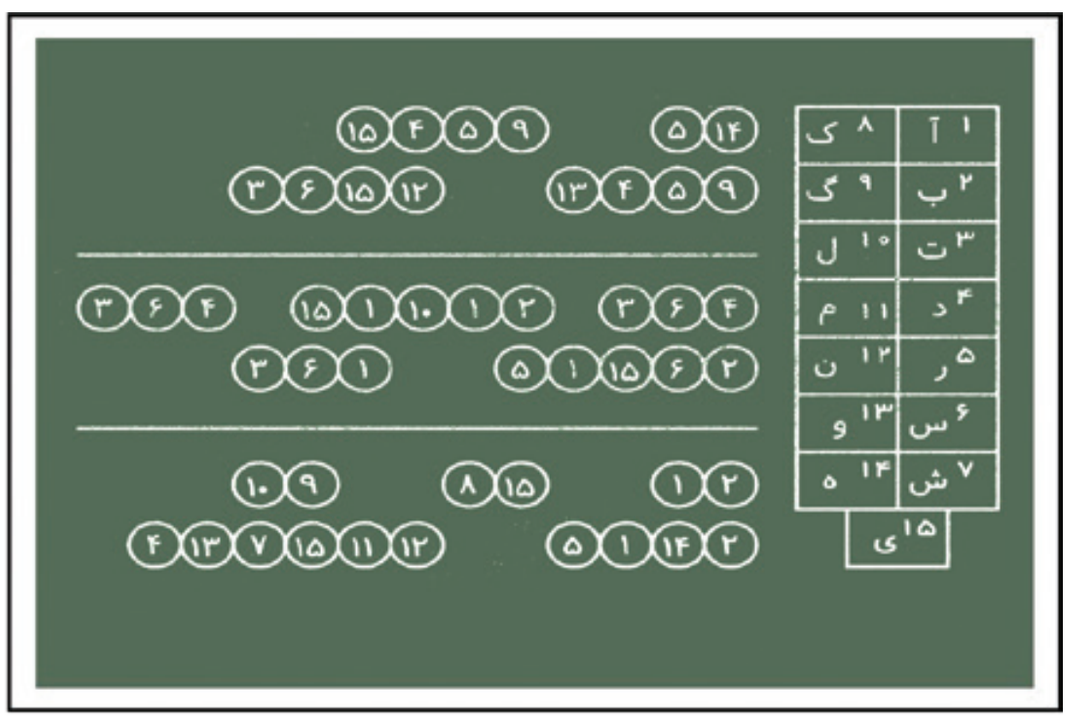

قصه تصویری

باغبان کوچولو

شاعر: عفت زینلی تصویرگر: سعید مرادی